

ہمنشین بد

یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً

(قرآن کریم)

وای برمن ایکاش با او ہم نشینی نمیکردم !

* گلہائی کہ زود پژمرده میشوند

* جنبہ‌های مثبت و منفی حس تقلید

* شخصیت اخلاقی چگونه بوجود می‌آید ؟

* گلہائی کہ زود پژمرده میشوند

آنجا کہ از جنجال و غوغای شهر انرژی دیده نمیشود در گوشه و کنار تبعاً : در دامن گوشہ ، گاہ گلہائی زیبای خودروئی دیده میشوند . آنها در منطقه آرام و ساکتی در آغوش طبیعت بزرگ شده‌اند . دست بشری با آنها نرسیده ، و از هیچ نوع تربیت و پرورش بر خوردار نبوده‌اند ؛ و بطور طبیعی بر شد خود ادامه داده‌اند . زیبایی و طراوت آنها ، آدمی را بشکفت می‌آورد ، ولی با همه اینها ، این نوع گلہا زود پژمرده میشوند . رنگ و بوی خود را پس از مدتی از دست میدهند .

یک مطالعه عمیق ، این واقعیت را آشکار می‌سازد کہ رشد طبیعی ، و محرومیت از اصول تربیتی ، دو عامل اسبیل این پژمردگی محسوب میگردند . زیرا اگر این گلہا با روش صحیح تربیتی پرورش می‌یافتند ، و غلظت‌های هرزه ، و گیاهان خودرو ، از اطراف آنان برچیده میشد ؛ رشدشان کاه متر ، و شادابی و طراوتشان در مدت بیشتری از سال محفوظ میماند . کودک کہ راه رفتن ، و غذا خوردن ، و خوابیدن ، و بسیاری از حرکات زندگی را بوسیله تقلید یاد می‌گیرد ، و بهمین ترتیب کم بزرگ میشود ، اگر این پرورش بزرگ

شدن ، توسط شعور حیوانی ؛ جریان های طبیعی ، و تسامحات زمان ؛ و اگذار گردد ، بچه مانند درخت خودرو ، پرورش می یابد ، و چون گلهای بیابانی فاقد ارزش خواهد بود ، ابتکار و شخصیت ، در چنین کود کانی یافت نخواهد شد .

جنبه های مثبت و منفی حس تقلید

اساسی ترین عاملی که تعلیم و تربیت کودک بر آن استوار است حس تقلید است ، و بر اساس همین واقعیت فطری ، کودک بسیاری از مسائل زندگی را می آموزد و در اثر آن عاداتی در او پدید می آید ، و همین عادات کم کم باعث پیدایش خوفا و سیرت ها می گردد .

یکی از دانشمندان اخلاق میگوید : سر مشق و تقلید بزرگترین مدرسه بشری است که افراد ما در آن تحصیل می کنند ، و هر چه در زندگی دارند ، از آنجا کسب می نمایند .

از این مقدمه آشکار شد ، که حس تقلید در تربیت کودک نقش اسمبلی را برعهده دارد ، ولی ناگفته نماند ، که باید به برداری از این عامل توسط نیروی عقل و عزم محدود گردد ، چه اگر بهره مندی از آن همچنان ادامه داشته باشد ، زبان های جبران پذیر و دامنگیر فرد و اجتماع خواهد شد .

یکی از بزرگترین خطرهایی که زائیده حس تقلید است ، موضوع گمراهی دختر و پسر جوان است ، که در دوران بلوغ ، و مرحله حساس طنیان احساسات در اثر حس تقلید همان راهی را که دوستان منحرف او انتخاب کرده اند ؛ اومی پذیرد و کم کم خود بخود در رفتار و کردار آنها در روحیه او اثر خاصی خواهد گذازد . چه حال است کسی با عده ای معاشرت کند و تأثیرات عمیق این آمویش هارا ندیده بگیرد ، حس تقلید بطور اجمال جزو ذرات انسان است و همه کس کم و بیش در تحت نفوذ و تأثیر حرکات و آداب معاشرت خود قرار می گیرد . زیرا همانطور که بدن ما از غذاهائی که میخوریم تغذیه میکند و نیرو می گردسان بطور هم روحمان از صحبت و معاشرت رفتسای خوب و بد کسب فضیلت و تقوی ، و یازشتی و شرارت می کند .

قوة تقلید بقدری در انسان ، طبیعی و غیر محسوس است که شخص هیچوقت متوجه اثرات صبیق آن نیست .

شخصیت اخلاقی چگونه بوجود می آید ؟

بزرگان دین و دانشمندان اخلاق همه میگویند ؛ که اشخاص را باید از دوستان و

مداشرین آنها شناخت ؛ علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید ؛ لا تسئل عن المرء واسئل عن قریته ، یعنی از شخصیت کسی پرسش میکن ، از همشین او سؤال کن .

آنرو همشینی با افراد با اگر بطول انجامد بطور حتم اخلاق روبا نخطاط میرود ، از این گفته صحبت کردن با این قبیل اشخاص نیز خطرناک است ، زیرا فرضا که مباحثت آنها ضرر رهایی نداشته باشد ؛ معذک بقدری در فکر و اخلاقی می باشد ، که پس از مدتی میروید و بریسه می دواند ، یکی از نویسندگان غربی در کتاب اخلاق خود می نویسد ؛ مساحبه با اشخاص فاسد حکم طاعون را دارد که فوراً با انسان سرایت میکند .

اسمانیولی ها مثل معروفی دارند ، می گویند ؛ انسان اگر بهمان گرگها برود ، پس از مدتی زوزه کشیدن در آلتها خواهد آموخت ؛ برای ساختمان اخلاق خوب ، هیچ چیز مؤثرتر و مفیدتر از مساحبت با مردان فعال و دانشمند نیست چون معاشرت آنها قوای معنوی ما را زیاد می کند ، و بر قوت و عزم ما می افزاید و مقصد ما در دنیا بلندتر و عالی تر جلوه گر می گردد . پیغوائی بزرگ جهان بشریت پیغمبر اکرم (ص) میفرمود ؛ مجالس الابرار فایزک از افولت خیر احمد و کثوان اخطات لم یعرفو کک ، یعنی ؛ با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی ترا ستایش کنند و اگر خطا کردی با تو بسختی رفتار نکنند .

طبیعت جوان چون خمیر نرمی است که مستعد پذیرفتن هر گونه تأثیرات خارجی ، و گرفتن اخلاق و عادات اشخاصی که در اطراف وی هستند ، میباشد .

یکی از روانشناسان معروف می گوید ؛ مردم را جمع به تعلیم و تربیت بسیار حرف می زنند ولی آن سر مشق و تقلید که مؤثرترین تعلیم و تربیت است ، غافل هستند ، که در راه های ناپسند کوچک با گذشت زمان ، و تحول سن و سال ، و تنبیر وضع به گناهان بزرگ فردی و اجتماعی تبدیل میگردد .

افلاطون کودکی را که مشغول بازی زشتی بود مورد ملامت و توبیخ قرار داد ، آن کودک گفت ؛ چرا برای کار کوچکی اینقدر مراملامت میکنی ؟ افلاطون در جواب گفت ؛ برای آنکه وقتی همین کار کوچک ، ملکه و عادت توشه بکارهای بزرگتر دست خواهی زد .